

## دیباچهٔ خمسهٔ محیره

اخیراً کتاب «بدایع الوقایع» اثر زین الدین محمود واصفی هراتی (متولد در اواخر قرن ۹) به کوشش الکساندر با لدفرد، دانشمند روسی، انتشار یافت. این کتاب مشحون است به نکات تاریخی و ادبی و لطایف و ظرایف فراوان و مطالبی که از خلال آنها اوضاع اجتماعی و احوال بسی از سلاطین و امرای تیموری و شیبانی و صفوی و بزرگان و صدور و شعرا و حاشیه نشینان در بارها را، پنحوی که تاکنون بر ما مجهول مانده بوده، میتوان بدست آورد. امید است در آینده بحثی راجع به این کتاب، که در دو جلد و در یک هزار و چهار صد صفحه میباشد، داشته باشیم. اما درین صفحه دیباچه «خمسه محیره» و واصفی را همراه یکی از غزل های این خمسه برای خوانندگان خود اقتیاس مینماییم و انتشار چار غزل دیگر را در شماره های آینده وعده میدهیم.

### همایون

معرض ضمیر صافی طبعان تیزفهم روشن رأی و ناظمان عقد پیوند عقده گشای آنکه در تاریخ سنه ثلاث عشر و تسعماته که در ولایت جنت منقبت فلک مرتبت خراسان حرسها الله عن الافات والحد ثان مطرح اشعه لمعات سرادقات بازگاه جلال حضرت خان الاعظم مالک رقاب الامم امام الزمان و خلیفه الرحمن محمد شبان خان گردید در مسجد جامع هرات که اشرف مواضع شریفه و اعظم بقاع منیع هرات است بعد از ادای صلوٰة جمعه در صنفه مقصوره جمعی شعرا و فضلا که چشم روزگار نظیر ایشان جز عکس ایشان در آئینه سپهر ندیدی و گوش هوش دوران مثل صدای گفت و گوی ایشان جز ندای همان مقالات از کوهسار کیهان نشنیدی مثل مولانا بنای و خواجه آصفی و مولانا محمد بدخشی و مولانا ریاضی تربتی و مولانا هلالی و مولانا اهلی

ومولانا فضلی ومولانا امانی وغیرهم مجمعی میساختند وسخن شعروشعرا درمیان  
میانداختند روزی نشسته بودند وازهر بابی سخنی در پیوسته حکایت بتعریف شعرا  
انجامیدو دروصف کاتبی سخن بدانجا رسید که اورا معانی خاصه دلاویز و خیالات  
غامضه بانگیز بسیار است والحق این شیوه ایست بس خوب و اسلوبیست بغایت مرغوب  
کاتبی سودبری گربودت معنی خاص

خواجه آن است که تاجر بزر خود باشد  
واز جمله معانی خاص وی این بیت مذکور شد که :

جان را صدای تیغ تو از رنج تن رها ند

آواز آب زحمت بیمار می برد

همگنان بآب صاف انصاف رطب اللسان گشته تیغ آبدار زبان بجواهر ثنائش تزیین  
داده داد تحسین دادند در اثنای این حکایت یکی از آن جماعت گفت که آیدر ماده  
آب و تیغ غزلی که از مطلع تا مقطع معانی خاص باشد توان گفت و این مقدار لالی آبدار  
بالماس فکرت توان سفت؛ بعضی این را بغایت متعسر داشتند و بعضی دیگر متعذر  
شمردند این فقیر حقیر را مبالغه ایشان عجب نموده روی در طلب معانی آورده غواص وار  
در بحر فکرت غوطه خورد و درر معانی آبدار بکف آورده در ماده آب و تیغ پنج غزل  
که موسوم است به خمسه مجیر و سیمه سیاره در سبک نظم کشیده چون هر بیت متجلی است  
بمعنی خاص امید است مقبول طبع خواص گردد و در خمسه مجیره لیس فی الکایانات ثانیها.  
گرفت تیغ تو بر حلق رام رفتن جان ز آب تیز گذشتن نمیتوان آسان  
بچشم من تنک آبی نمود تیغ تو لیک قدم چه پیش نهادم ز سر گذشت روان  
خوشم که تیغ تو بر سر مرا روان آمد که هست زاب روان تازگی روح روان  
تمنم چو خاک شود تیغ زن هنوز که هست بخاک مرده زدن آب رسم اهل زمان  
نیام تیغ تو چاهی است کآب آن دارد دمی ولیک ز ندم ز چشمه حیوان  
بزخمهای تمنم تیغ زن بها نه مجوی که ز خمهای ترا آب میکند نقصان

چو دید تیغ ترا و اصفی نبیند هیچ

نظر بدیده پر آب هیچ سو نتوان